

ساختار نظام بین‌الملل و هویت‌یابی اسلام تکفیری

علی آدمی^۱ - عبدالله مرادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۱

چکیده

تشدید گرایش‌های تکفیری در جهان اسلام، از جمله مسائل مهم مطالعات اسلامی و پربسامدترین تحولات صحنه بین‌الملل می‌باشد. در این میان به نظر می‌رسد مطالعه‌ای نظام‌مند در حوزه روابط بین‌الملل مبتنی بر تعامل پویای ساختار و کارگزار، قدرت تبیین‌کنندگی بالایی در ارائه الگویی جامع از موضوع تحول به / در «اندیشه تکفیری» داشته و جنبه نوآورانه به پژوهش بدهد. بر این اساس پرسش اصلی این پژوهش آن است که: «نظام بین‌الملل در مقطع تاریخی پسا جنگ سرد، چگونه بر جریان تکفیری تاثیر گذاشته است؟» با توجه به چارچوب نظری سازه‌نگاری تلاش می‌شود تا پاسخ به این پرسش از طریق مطالعه فرایند ادراک بین‌الذهانی گروه‌های افراطی متأثر از ساختار نظام بین‌الملل صورت گیرد. در این راستا تلاش می‌شود با روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی، نظرات چهره‌های مشهور گروه‌های تکفیری (جامعه نمونه) مورد بررسی قرار گرفته تا قوام‌یافتن هویت تکفیری در تعامل با ساختارهای بین‌المللی را در قالب یافته‌های پژوهش: ادارک، نقش و هدف نشان داده و الگوی مفهومی این هویت‌یابی را ترسیم نماید.

واژگان کلیدی: سلفی، تکفیری، جهاد، نظام بین‌الملل، هژمونی

مقدمه

هویت جریانات اسلامی به اشکال متفاوتی قوام‌یافته و اسلام‌گرایان در طیف گسترده‌ای از رویکردهای دموکراتیک تا سلفی پراکنده شده‌اند. بویژه افراط‌گرایی اسلامی، عنوان جعل شده‌ای است برای اطلاق بر گروه‌های اسلامی که از مبانی تکفیر‌گرایی و سلفی‌گری تغذیه فکری شده و رویکرد جهادی را در برخورد با دشمنان خود پی می‌گیرند با این هدف که خلافت اسلامی را احیا و قانون شریعت را اجرا نمایند. پیدایی افراط‌گرایی اسلامی که به تدریج در قالب سازمان القاعده، زیر شاخه‌ها و گروه‌های کوچک الهام‌گیرنده از آن تجلی پیدا کرده، از مهم‌ترین دگرگونی‌های عرصه اسلام‌گرایی معاصر بوده است. در این میان به علت ابعاد گسترده روند افراطی شدن برخی اسلام‌گرایان در قالب گروه‌های تروریستی و افراط‌گرایی نامتسامح و خشونت‌طلب، نمی‌توان آنان را در یکی از قالب‌های صرفاً دینی، سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی مورد مطالعه قرار داد. چه اینکه بی‌تردید مطالعه تحول در اسلام‌گرایی و سوق یافتن آن به افراط‌گرایی و همچنین تحول درون افراط‌گرایی و گرایش‌های مختلف درونی آن، هرچند از عناصر هنجاری دینی (سلفی) بهره‌مند بوده اما تاریخ تحولات نشان می‌دهد موضوع پژوهش به نحو فزاینده‌ای متأثر از ساختار هنجاری-مادی نظام بین‌الملل نیز تاثیر پذیرفته است. بر این اساس هدف اصلی این پژوهش؛ فهم فرایند قوام‌بخشی به هویت تکفیری در تعامل با ساختار نظام بین‌الملل است تا این موضوع را فراتر از نگرش‌های تقلیل‌گرایانه و تک بعدی، در یک چارچوب هویتی-هنجاری و با توجه به ساختار نظام بین‌الملل ادراک نماید که به نظر می‌تواند الگویی جامع در فهم پدیده افراط‌گرایی باشد. بر این اساس، پرسش اصلی این پژوهش آن است که؛ «نظام بین‌الملل در مقطع تاریخی پسا جنگ سرد، چگونه بر جریان تکفیری تاثیر گذاشته است؟».

این پژوهش برای پاسخ به پرسش اصلی، در چندین بخش ساماندهی می‌شود. پس از مقدمه و تشریح چارچوب نظری سازه‌انگاری؛ در بخش دوم شاخصه‌های ساختاری نظام بین‌الملل معاصر پسا جنگ سرد و شاخصه‌های کارگزاری افراط‌گرایی (مبانی و انگاره‌های تکفیری) بر شمرده می‌شود. آنچه بر سازنده هویت افراط‌گرایی است همین تعامل پویای ساختار و کارگزار می‌باشد. در بخش سوم نتیجه تعامل ساختار و کارگزار در قالب «ادراک بین‌الذہانی» گروه‌های تکفیری متأثر از وجوه ساختار نظام بین‌الملل در یک قالب موضوعی و روند تاریخی ارائه می‌شود. تحلیل محتوای کیفی گفتارها و نوشتارهای رهبران اصلی جریان تکفیری به این مهم کمک می‌کند. در بخش چهارم بر اساس چارچوب نظری سازه‌انگاری، موضوع نقش‌یابی رفتاری گروه‌های تکفیری

در دستور کار قرار می‌گیرد. در بخش آخر نیز الگوی مفهومی هویت‌یابی اسلام تکفیری متأثر از ساختار نظام بین‌الملل ترسیم و فرضیه اصلی پژوهش ارائه می‌شود. مولفه‌های نظام بین‌الملل (هنجاری، مادی، نهادی)، با تشدید برانگیختگی هویتی و ادارک مظلومیت اسلام، منجر به دگرسازی‌های خشونت‌آمیز و نقش‌یابی افراطی در قالب دو کنش جهادی و تکفیری در میان اسلام‌گرایان برای نیل به احیای خلافت شده است. همچنین مولفه‌های ساختاری نظام بین‌الملل در یک بستر تاریخی ضمن تشدید روند اسلام‌گرایی بسوی افراط‌گرایی، تغییر درون افراط‌گرایی در قالب سه نسل تکفیری را نیز موجب شده است.

چارچوب نظری و روش‌شناسی

چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر «سازه‌انگاری»^۱ به عنوان چارچوبی تحلیلی و فرانظریه‌ای در حوزه ساخت اجتماعی واقعیت می‌باشد. مسأله هویت‌کنشگران در کانون رهیافت سازه‌انگاری قرار دارد. از این منظر هویت امری طبیعی، ذاتی از پیش موجود نبوده، بلکه هویت بر ساخته‌ای اجتماعی است که تحت تاثیر ساختارهای هنجاری و معنایی ساخته می‌شود و سپس خود نیز سازنده نقش و کنش‌ها می‌شود (پرایس و رئوس اسمیت، ۱۳۸۵: ۵۱۹). یکی دیگر از موضوعات مهم در سازه‌انگاری، قوام متقابل «ساختار» و «کارگزار» است. از این منظر، میان ساختار و کارگزار رابطه سازا وجود داشته و طی یک فرایند دگرگونی هم‌بستر و هم‌کنشگر، به یکدیگر قوام می‌بخشند. مهمترین نکته درباره ساختارها این است که ساختارهای هنجاری و فکری به اندازه ساختارهای مادی دارای اهمیت می‌باشند (Lupovici, 2009: 213).

انتخاب چارچوب نظری سازه‌انگاری برای این پژوهش، البته منطبق با ماهیت متغیرهای این پژوهش می‌باشد. تاکید سازه‌انگاری بر قوام متقابل کارگزار/ساختار، فرصت لازم برای درک تاثیر نظام بین‌الملل بر بازیگر افراط‌گرایی را ایجاد می‌نماید. از آنجاییکه انتخاب روش تحقیق نیز بایستی متناظر با رویکرد فرانظری حاکم بر پژوهش و همچنین متناسب با موضوع پژوهش باشد، لذا «تحلیل محتوای کیفی» انتخاب گردید چرا که با نگاه از درون بر فهم شیوه‌ای که انسان‌ها جهان اطرافشان را درک می‌کنند، متمرکز و به دنبال فهم واقعیت اجتماعی، از نگاه کنشگران است (تبریزی، ۱۳۹۱: ۱۱۱). به عنوان تعریف تحلیل محتوای کیفی؛ تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایند طبقه‌بندی نظام‌مند، استخراج مقولات و کدگذاری می‌باشد (ایمان و

نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۰). جهت کاربرد این روش در زمینه فهم ادارک جریان تکفیری از ساختار نظام بین‌الملل، آثار چهره‌های مشهور این جریان که نقش اصلی را در ایجاد، راه‌اندازی و توسعه گروه‌های افراطی بین‌الملل داشته‌اند، مدنظر قرار می‌گیرد. لذا «عبداله عزام»، «اسامه بن لادن»، «ایمن الظواهری»، «ابومصعب السوری»، «ابومصعب الزرقاوی»، «ابوبکر البغدادی»، «ابومحمد العدنانی» و ... که گفتار و نوشتار آنها نشان‌دهنده خطوط اصلی جریان سلفی افراطی می‌باشد، جامعه آماری مدنظر هستند. برای فهم ابعاد و مولفه‌های این ادارک بین‌ذهانی، مجموعه‌ای از بیانیه‌ها، سخنرانی‌ها، کتاب‌ها و جملات مندرج در نشریات «دابق»، «رومیه» و «الهام‌بخش» در قالب جمع‌آوری داده اسنادی و کتابخانه‌ای، مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا بتوان به بازیافت معانی ذهنی جمعی آنان اقدام کرد. لذا به طور کلی مبانی فرانظری این پژوهش سازه‌انگاری، رویکرد آن استقرائی، تفهیمی و کیفی می‌باشد.

شاخصه‌های کارگزاری تکفیری

به طور کلی، سلفی‌گری جریانی مذهبی و اجتماعی است که به دنبال بازگشت به اعتقادات و شیوه عمل صحیح سه نسل اول مسلمانان می‌باشد. سلفی‌ها به مفهوم ویژه توحید یا وحدانیت خداوند، در مقابل شرک معتقدند و قرآن و سنت را تنها منابع اصیل قانون و قدرت می‌دانند و مخالف هر گونه بدعت هستند (Haykel, 2009: 38). لذا سلفی‌گری با استفاده از تفسیر گزینشی و البته ظاهرگرایانه قرآن و سنت، مستعد ستیزه‌جویی است. لذا افراط به عنوان یکی از صورت‌های پدیداری سلفی‌گری در می‌آید که حاصل افزودن بعد خشونت به آن است. افراط‌گرا نیز صفتی است که به گروه‌هایی که به منظور تحمیل باورها و ایدئولوژی خود به دیگران به خشونت متوسل می‌شوند، اطلاق می‌گردد (Baqai, 2011: 242). بنابراین سلفی، مفهومی عام و کلیتی فراگیر دارد به گونه‌ای که هر سلفی لزوماً افراطی نیست، اما هر افراطی، سلفی محسوب می‌شود. در واقع گروه‌های سلفی - حدیثی که مبارزه سیاسی برای کسب قدرت را صرفاً از طریق کاربرد خشونت و حربه تکفیر علیه مخالفان و براندازی خشن حکومت‌ها می‌دانند تا خلافت اسلامی را احیا و قانون شریعت را اجرا نمایند، جریان «اسلام تکفیری» تعریف می‌شوند. «ابومصعب سوری» از چهره‌های برجسته القاعده، این جریان را به عنوان آمیخته‌ای از «فقه سیاسی ابن تیمیه، دعوت محمد بن عبدالوهاب، اندیشه سیاسی سید قطب و نهایتاً اصول اخوان المسلمین»، معرفی می‌کند (السوری، ۱۴۲۵: ۶۹۸). اما نقطه عطف ظهور جریان فوق به تهاجم شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹م و تلاش امریکا بر اساس تغییر

توازن از طریق «جنگ نیابتی» باز می‌گردد که طیف گسترده‌ای از جهادگران مسلمان موسوم به «عرب-افغان‌ها» را ایجاد نمود (Hegghammer, 2010: 62). ثمره جهاد در افغانستان، پیوند؛ وهابیت جهادی از طریق «اسامه بن لادن»، اندیشه‌های سلفی دیوبندی از طریق مدارس اسلامی پاکستان و نهایتاً اندیشه‌های سید قطب از طریق «ایمن الظواهری» بود که به شکل‌گیری جهاد جهانی در قالب سازمان القاعده منجر شد (Hanzel, 2005) (Gerges, 2005: 67).

اسلام تکفیری نوعی سازه معنایی و برساخته اجتماعی محسوب می‌شود که متأثر از محرک‌های هویتی، فرهنگی و تاریخی تحکیم یافته است. بر این اساس شاخصه‌های کارگزاری اسلام افراطی در سه بخش: معانی سلفی، باورها-انگارها و هنجارهای افراطی قابل توصیف است. مبانی اندیشه و تعلقات ایدئولوژیک، مؤثرترین منشأ افراط‌گرایی است که به عنوان یک عنصر کارگزاری، هویت‌بخش گروه‌های افراطی است. در این میان فهم انگیزشی از آنچه برخی تفسیر «حنبلی-قطبی» از اسلام می‌خوانند به افراط‌گرایی توسعه می‌بخشد (بخشی شیخ احمد، ۱۳۸۷: ۱۹۳) که در ریشه‌ای‌ترین تفسیر به مفهوم ویژه توحید، قرآن و سنت و ... به عنوان مبانی سازمان دهنده و مفاهیم راهنمای جریان سلفی افراطی اشاره دارد (Wiktorowicz, 2006: 208). همچنین بازگشت به فهم سلف از جمله معانی سلفی است. در سطح باورها و انگاره‌ها نیز مفاهیمی همچون بدعت و جاهلیت مطرح می‌شود که اساساً سلفی‌گری از دریچه این مفاهیم به شرایط جهان اسلام می‌نگرد. همچنین باورمندی به حاکمیت الهی، چرا که «اگر اسلام بخواهد نجات‌بخش باشد، باید حکومت کند» (سیدقطب، ۱۳۶۰: ۵۳) و لزوم پایبندی به امت اسلامی از جمله باورها و انگاره‌های سلفی است. دست آخر هنجارهای نهادینه شده در تعیین هویت افراطی نقشی کلیدی هستند که خود مبتنی بر پیشینه‌ای از عوامل ذهنی پیشین است. مانند لزوم تکفیر برای پاکسازی اسلام از طاغوت‌ها و اندیشه‌های بدعت‌آلود و کنش جهادی به عنوان والاترین فریضه اسلامی مطرح می‌شود.

شاخصه‌های ساختاری نظام بین‌الملل پسا جنگ سرد

الف- ساختار مادی (قطبی)

علیرغم تمامی اختلافات نظر موجود درباره تبیین ماهیت نظام بین‌المللی جدید که برخی به دو الگوی «تک قطبی» و «هژمونیک» اشاره (جمشیدی، ۱۳۸۶: ۷۸۷) و برخی دیگر ضمن تأکید بر فاصله میان قدرت‌ها، آن را نظامی «تک-چندقطبی» می‌دانند و یا «بوزان و ویور» که نظام پسا جنگ سرد را «یک-چهارقطبی» معرفی می‌کنند (بوزان و ویور، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۶)، اما مهمترین ویژگی نظم

پساجنگ سرد به تمایل و تلاش ایالات متحده آمریکا به مداخله در راستای ایجاد نظم «هژمونیک» در نظام بین‌الملل مربوط می‌شود (Brooks & Wohlforth, 2001: 34). به گونه‌ای که طرح «نظم نوین جهانی»^۱، توسط جورج بوش (پدر)، تاکید دولت کلینتون بر مساله «مداخله بشر دوستانه» و پس از آن «مبارزه با تروریسم» در دوران جورج بوش (پسر) که در دستور کار قرار گرفت و در دوره «باراک اوباما» در قالب «حضور غیر مستقیم و موازنه قدرت» (Friedman, 2015)، تداوم یافت. بر این اساس مجموعه اقدامات آمریکا در جنگ اول خلیج فارس در ژانویه ۱۹۹۱ تا اشغال نظامی افغانستان و عراق در سال ۲۰۰۳ و پس از آن را می‌توان نشانه‌هایی از تلاش سازمان یافته آمریکا برای هژمونی در سیاست بین‌الملل دانست (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۷) که البته واجد اعمال خشونت شدید علیه جهان اسلام بوده است. به همین دلیل نیز مردم مسلمان، آمریکا را اصلی‌ترین عامل ناامنی و بی‌ثباتی در جهان اسلام تلقی می‌کنند (Zogby, 2011).

از سوی دیگر همزمان با هژمون‌گرایی آمریکا، خلا فروپاشی شوروی در نظام بین‌الملل به طور موثری توسط منطقه‌گرایی (به عنوان شاخصه دیگر نظم جدید) نیز در حال پر شدن است که رابطه معکوسی بین این دو الگو برقرار است (افتخاری، ۱۳۸۲: ۲۸۳). بویژه در غرب آسیا پس از ۱۱ سپتامبر حضور گسترده نظامی آمریکا در قالب الگوی تک قطبی - امنیتی صورت گرفت اما افزایش چالش‌های منطقه‌ای پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ «پایان دوران امریکایی» را تسریع (Haass, 2006) و پس از آن در یک الگوی چندقطبی تنش ژئوپلیتیک و رقابت گفتمانی میان بازیگران داخل منطقه تعریف شد.

ب- ساختار معنایی - هنجاری

بعد دیگر نظام بین‌الملل، ساختار معنایی هنجاری آن است. اصلی‌ترین مشخصه هنجاری نظام بین‌الملل پساجنگ سرد در مولفه «لیبرال دموکراسی» تعریف می‌شود. این مفهوم؛ قواعد حقوق ناظر به روابط بین‌الملل را بر پایه ارزش‌های لیبرال تنظیم و تلاش می‌کند خصلت شمول و فراگیری آن را گسترش دهد (میراحمدی، ۱۳۸۹: ۲۴۵). جهانی شدن فرهنگی دیگر مشخصه هنجاری نظام بین‌الملل است که اشاره به شدت یافتن یکسان‌سازی فرهنگی به معنی حرکت بسوی الگوی فرهنگی واحد و یکپارچگی فرهنگی جهان دارد (قرلسفلی، ۱۳۸۶).

ساختار هنجاری نظام بین‌الملل مبتنی بر شاخصه مفهومی لیبرال دموکراسی و همچنین الگوی جهانی شدن فرهنگی (در قالب یکسان‌سازی)، منشاء خشونت علیه جهان اسلام به شمار می‌رود.

چه اینکه قالب هنجاری فوق، ساز و کارهای جامعه‌شناختی لازم برای تولید ایده‌ها و رویه‌های مدرنیته غربی و تحمیل آن بر جوامع غیر غربی بویژه زیست جهان اسلامی فراهم می‌شود که نتیجه آن؛ برساختن گفتمان اسلام هراسی، مبارزه با تروریسم و تبدیل جهان اسلام به یک دستور سیاسی امنیتی در نظام بین‌الملل و ایجاد یک ساختار تبعیض‌آمیز علیه مسلمانان در غرب است. این امور چهره پنهان خشونت در هژمونی سیاست‌های فرهنگی را شکل می‌دهد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۷: ۷۶).

پ- ساختار نهادی

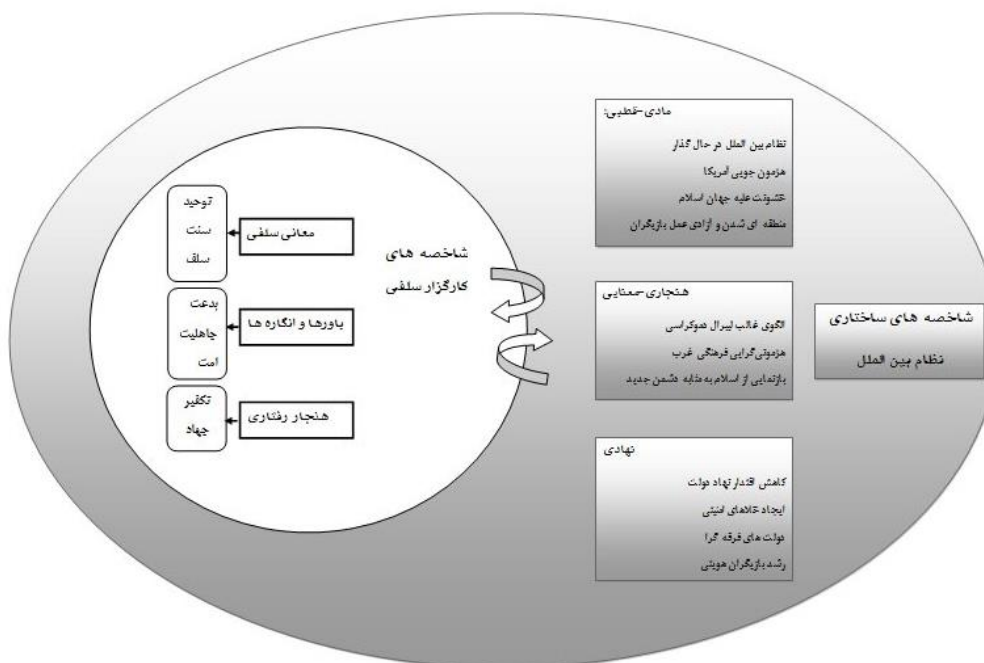
ساختار نهادی نظام بین‌الملل به اجزا و بازیگران اصلی تشکیل دهنده آن اشاره دارد. بویژه اینکه در نظام بین‌الملل معاصر با افزایش چندجانبه‌گرایی؛ سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای غیردولتی و جنبش‌های اجتماعی نقش برجسته‌ای دارند (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۹۶۶) و کاهش اقتدار نهاد دولت، اصلی‌ترین شاخصه محسوب می‌شود. بویژه در مورد جهان اسلام ابزارهای نهادی و ذهنی تسلط دولت بر جامعه که انگیزه آن را برای تداوم سرکوب افزایش می‌داد (Esposito, 2014)، کاهش یافته و به محض بروز خلا قدرت، گروه‌های افراطی شده با بسیج مردمی به صحنه می‌آیند. لذا به عنوان شاخصه بعدی، ساختار نهادی «خلاهای امنیتی» یا اصطلاحاً «بهشت‌های امن» که دولت‌ها امکان اعمال دقیق حاکمیت را به جهت ضعف توانایی یا فاصله جغرافیایی بر آنها ندارند، به وجود می‌آید. در کشورهایی نظیر یمن، لیبی، افغانستان، سوریه، پاکستان (مناطق قبایلی)، صحرای غربی افریقا و ... که به دلیل اختلافات، اقتدار دولت در همه مناطق گسترده نیست و این شرایط موجب ایجاد فضایی برای فعالیت افراطیون می‌شود (Sanderson & Barber & Russakis, 2015: 39-40).

دیگر شاخصه نهادی به فعالیت دولت‌های فرقه‌ای به مثابه کارگزار حمایت از تروریسم باز می‌گردد. در این زمینه یکی مهمترین بازیگران فرقه‌ای در جهان اسلام، کشور عربستان سعودی است که با حمایت آن، فرقه‌گرایی به طور خیلی آشکار نقاط مختلف در جهان اسلام رواج یافته است. عربستان از طریق نهادهایی چون «رابطه الاسلامیه» به ترویج وهابیت و از شروع جهاد در افغانستان تاکنون با استفاده از سازمان‌هایی نظیر «سازمان جهانی امداد اسلامی»^۱ و «لیگ جهانی جوانان مسلمان»^۲ حمایت مالی و معنوی از گروه‌های افراطی صورت می‌دهد (Abuza, 2003).

1. Iiro
2. Wamu

د- ساخت‌یابی: نظام بین‌الملل و تکفیری

با توجه به تاکید سازه‌انگاری سطح واحد بر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی داخلی (Wiener, 2003: 245) برای فهم «افراط‌گرایی» بایستی به منابع سلفی به عنوان اصلی‌ترین مبانی هویتی آن رجوع نمود. همچنین در روند برساخته شدن کارگزار باید به ساختارها نیز به شکل توأمان توجه نمود. لذا سازه‌انگاری یک روند برساخته شدن متقابل را توصیف می‌کند که ساختار و کارگزار به شکل متقابل همدیگر را قوام می‌بخشند. برای مفهومی کردن رابطه ساختار با کارگزار از مفهوم «ساخت‌یابی»^۱ استفاده می‌شود که ایده وابستگی متقابل و ارتباط درونی را مطرح می‌کند. لذا همزمان که نقش عوامل ساختاری چون نظام قطبی بین‌الملل، بحران منطقه‌ای، خلا امنیتی را در شکل‌گیری گروه‌های افراطی و تروریسم را در نظر گرفته می‌شود، بایستی به جایگاه هویت مبتنی بر شریعت جهادگرا، ادراک بین‌الذنهانی از جاهلیت جهانی و ... را به عنوان عناصر ارزشی-هنجاری نیز پرداخت. این موضوع در قالب الگوی ترسیم شده در شکل شماره ۱ قابل مشاهده است.



شکل شماره ۱: تعامل ساختار بین‌الملل و کارگزار سلفی

تحلیل داده‌ها: متون تکفیری

در ساخت‌یابی آنچه اهمیت دارد نوع ادراک و شکل‌گیری معانی جمعی در اذهان جریان سلفی (کارگزار) از تحولات مرتبط با جهان اسلام در نظام بین‌الملل (ساختار) است. لذا مجموعه‌ای از آثار چهره‌های مطرح سلفی-افراطی به عنوان جامعه نمونه در قالب ۳۰۰ پاراگراف، برای تحلیل محتوا استخراج شد. به جهت پراکندگی جامعه نمونه و همچنین تحولات سریع منطقه‌ای و بین‌المللی، این آثار بر اساس سه مقطع تاریخی از یکدیگر تفکیک شدند:

- پایان جنگ سرد تا هژمون‌گرایی نظامی ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر؛

- از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ تا پیش از آغاز تحولات انقلاب‌های عربی در ۲۰۱۱؛

- از سال ۲۰۱۱ انقلاب‌های عربی و بحران سوریه تا کنون.

همچنین بر اساس چارچوب نظری سازه‌انگاری، سه محور در مطالعه جامعه نمونه مدنظر خواهد بود: وضعیت (در قالب توصیف شرایط جهان اسلام)، وظیفه (رفتار واجب) و هدف (ترسیم آینده پیش‌روی). سه جدول تحلیل محتوا ذیل به شکل کاملاً خلاصه ارائه می‌شود.

مقطع اول: از فروپاشی پایان جنگ سرد تا هژمون‌گرایی نظامی ایالات متحده		
ایده نهایی	جمع‌بندی: کدهای تخیلی	متن‌های نمونه
«مظلومیت مسلمانان» «حاکمان فاسد، دشمنان کافر» نسل نخست سلفی-افراطی: «القاعده»	- بیش از یک قرن است مسلمانان دچار استضعاف و تجاوز یهودیان و مسیحیان هستند؛ - مسلمانان گرفتار امور دنیوی و جهاد را فراموش کردند و همین سبب تحقیر آنهاست؛ - امروز امریکا بیشترین تجاوز و تحقیر را علیه مسلمانان دارد؛ - حاکمان کشورهای اسلامی، کافر شده‌اند چرا که قوانین الهی را اجرا نکرده و وابسته امریکا هستند؛	اسامه بن لادن: «مدارک دشمن برای قتل عام مردم فلسطین در بیش از پنجاه سال گذشته چه بوده است؟ گناه مردم کشمیر چیست که به بندگان گاو اجازه می‌دهد تا به مدت پنجاه سال خون آنان را بریزند؟ روزی که امریکا مردم افغانستان را می‌کشت و مسلمانان را به بند کشیده بود، چه توجیهاتی ارائه کرد؟ مردم مسلمان که جبهه جهانی صلیبی-یهودی در پی نابود کردن آنها هستند، هیچ گناهی غیر از این ندارند که می‌گویند: خداوند سرور ماست» (Al-Qaeda, 2002). ایمن الظواهری: «در حال حاضر مهم‌ترین فتنه‌ای که توحید و عقیده اسلامی را تهدید می‌کند، فتنه انحراف از دوستی با مؤمنان و دشمنی با کافران است... علمای درباری هم

		فتوای دیکته شده از بالا را امضا می کنند» (الظواهری، ۱۴۲۳: ۲۲-۲۵).
<p>«وظیفه اصلی جهاد: تمرکز بر دشمن امریکایی» اصل توازن وحشت»</p>	<p>- تنها راه برای رهایی از تحقیر، جهاد است؛ - جهاد نظامی وظیفه عینی امت اسلامی در شرایط اشغال است؛ - هدف جهاد بایستی متوجه امریکا باشد چرا که: امریکا اشغالگر است و سربازان و شهروندان آن هم محارب؛ - امریکا شکست پذیر است؛</p>	<p>عبداله عزام: «یک فهم غلط از کلمه جهاد در میان مسلمانان شکل گرفته که فکر می کنند هر نوع تلاش در راه خدا به معنای جهاد است. در حالیکه جهاد تنها به معنای قتال است» (Azzam, 2012 b).</p> <p>اسامه بن لادن: «امریکا جلودار جنگ صلیبی با ملت اسلام است و دهها هزار نفر از سربازانش را به سرزمینی می فرستد که دو مسجد مقدس در آن است و از آن بالاتر با دخالت در مسائل آن از رژیم ستمگر، فاسد و خودکامه که تحت کنترل دارد حمایت می کند، لذا فراخوان نبرد با امریکا داده شد» (Bin Laden, 2004: 12).</p> <p>اسامه بن لادن: «آنها ما را می کشند و ما هم مجبوریم آنها را بکشیم تا توازن وحشت به وجود آید. اکنون تنها زمانی است که توازن نزدیکی بین ترور در هر دو طرف بین مسلمانان و امریکاییان در دوران اخیر بوجود آمده است» (Bin Laden, 2004: 238).</p>
<p>«اولویت: اشغالگران» «تمرکز بر دشمن دور»</p>	<p>- دفع تجاوز یهودیان و مسیحیان در اولویت است، - هدف جهاد بیرون راندن امریکا به عنوان دشمن اصلیا است؛ - متحدان امریکا (حاکمان فاسد) بدون حمایت این کشور دوام نمی آورند؛</p>	<p>عطیه اله اللیبی: «هدف اصلی مبارزان از جهاد، حمله علیه ارکان استعمار غرب و پروژه ای که نظم جهانی نامیده می شود است یا به عبارت واضح تر شکست صلیبیون در نبرد با اسلام است» (Aaron, 2008: 114).</p> <p>ایمن الظواهری: «هدف ایجاد آگاهی در امت در مورد تهدید ناشی از حمله صلیبیون، روشن ساختن معنی واقعی توحید در مفهومی که حکم و حاکمیت تنها متعلق به خداست... به اذن خداوند، این مقدمه ای برای استقرار خلافتی بر اساس روش پیامبر اسلام (ص) خواهد بود» (Al-Zawahiri, 2013).</p>

مقطع دوم: از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ تا پیش از آغاز تحولات انقلاب‌های عربی

ایده‌نهایی	جمع‌بندی: کدهای تخیلی	متن‌های نمونه
<p>بازسازی تاریخی: «دشمن صلیبی و شیعیان منافق»</p> <p>نسل دوم تکفیری: القاعده عراق</p>	<p>- آمریکا جنگ صلیبی سوم را بر علیه اسلام به راه انداخته و اشغال عراق، یک جنگ مذهبی آخرالزمانی است؛</p> <p>- اشغالگری آمریکا فرصت مناسبی برای توسعه جهاد به عراق در قالب هسته‌های جهادی است؛</p> <p>- شیعیان در روند سیاسی عراق اشغالی با امریکای صلیبی همراهی دارند؛</p>	<p>ابومصعب السوری: «جهان شاهد گستاخ‌ترین تهاجم بربری استعماری از سوی تمدن غرب است که توسط گروهی صهیونیست در دولت آمریکا همانند جنگ‌های صلیبی رهبری می‌شود. این جنگ‌های صلیبی سوم است» (السوری، ۱۴۲۵: ۳۰).</p> <p>ابومصعب الزرقاوی: «واقعیت‌های تاریخی بیانگر این حقیقت است که تشیع با اسلام همخوانی ندارد. این قوم بر محور کفر جمع شده‌اند. شیخ‌الاسلام «ابن تیمیه» راست می‌گفت که: شیعیان به کفار علیه مسلمانان کمک می‌کنند. آنان کافران را بر اسلام چیره گردانیدند و سبب ورود هولاکو به سرزمین عراق، تصرف حلب و... شدند» (الزرقاوی، ۱۴۲۷ الف: ۶۶).</p>
<p>«نوسعه کنش تکفیری» و «جهاد علیه شیعیان»</p>	<p>- خطر اصلی برای آینده عراق و جهان اسلام، تشیع می‌باشد</p> <p>- شکست امریکای صلیبی آسان تر از شیعیان منافقان داخلی است</p> <p>- نبرد علیه منافقان داخلی گام نخست در جنگ صلیبی است.</p>	<p>ابومصعب الزرقاوی: «شیعیان؛ موانع غیرقابل عبور، افعی‌های خفته، عقرب‌های خبیث و دشمنان در کمین نشسته هستند. ما در اینجا در دو جبهه در حال نبردیم. یکی آشکار و واضح: نیک می‌دانیم که نیروهای صلیبی بالاخره روزی این خاک را ترک خواهند کرد. اما دیگری یک جنگ دشوار و خشن با دشمنی مکار است؛ شیعیان دشمن هستند. با آنها بجنگید، به خدا آن‌ها دروغ می‌گویند...» (Al Zaraqawi, 2004).</p> <p>ابومصعب الزرقاوی: «خطر شیعه نه تنها عراق و بلکه کل منطقه را در برخواهد داشت. اگر شیعه بر عراق مسلط شد، آن وقت نفوذ خود را به سایر مناطق جهان اسلام گسترش می‌دهد. آنها به مراحل نهایی طرح ۵۰ ساله خود-برای نابودی</p>

		اسلام - خود رسیده اند» (Aaron, 2008: 240).
«اولویت دشمن نزدیک» «ایجاد امارت اسلامی»	<p>- برای جنگ علیه شیعیان، ابتدا باید اهل سنت را بسیج نمود</p> <p>- اعمال خشونت شدید علیه شیعیان آنها را به جنگ با اهل سنت می کشاند</p> <p>- جهاد در عراق، زمینه ساز ایجاد یک دولت اسلامی و مقدمه برای نبرد آخرالزمان است</p>	<p>ابومصعب الزرقاوی: «مسلمانان هیچ گاه بر کافران متجاوز نظیر یهودیان و مسیحیان پیروزی و برتری نخواهند یافت الا اینکه همه طرفداران آنها نابود شوند که از جمله آنان پیروان مرتد رافضیه هستند» (الزرقاوی، ۱۴۲۷: ۱۱).</p> <p>عطیه عبدالرحمن اللیبی: «شیعه دین خودساخته‌ای است که هدف نهایی آن از طریق ایران، سلطه بر اهل سنت و به دست گرفتن زمام رهبری امت اسلامی است» (عطیه اللیبی، ۱۴۲۸).</p>

مقطع سوم: از سال ۲۰۱۱ انقلاب‌های عربی و بحران سوریه تا کنون

ایده نهایی	جمع‌بندی: کدهای تخیلی	متن‌های نمونه
«ایجاد پایگاهی برای دولت اسلام» «هجرت بسوی عراق و شام» نسل سوم تکفیری: داعش	<p>- مشکلات جهان اسلام ناشی از تقسیم بندی های نژادی، ملی و فرقه ای و مرزهای استعماری است؛</p> <p>- دولت اسلامی عراق تجسم حیات اسلامی و بازگرداننده ارزش‌های اصیل امت است؛</p> <p>- دولت اسلامی از سوی کافران: شیعی، صلیبی، یهودیات، مسیحیان، کشورهای سنی و ... مورد تجاوز قرار گرفته است؛</p>	<p>داعش: «کسانی که اشکال حکومت سکولار، جمهوری، بعثی، صفوی و... را ایجاد کردند، موجب درد و رنج شما شدند. امروز زمان ایجاد دولت اسلامی است...» (Kfir, 2014: 8)</p> <p>ابوبکر البغدادی: «فسطاط اول: سایان ایمان که هیچ نفاقی در آن وجود ندارد و فسطاط دوم: چادر کفر که هیچ ایمانی در آن نیست. قسم سومی هم وجود ندارد. تنها، موبدان داعش وارد قسم اول می‌شوند. قسم دیگر شامل مسیحیان، یهودیان، متحدان آنها، رافضی‌های کافر با همه مذاهبشان، نصیری‌ها و همچنین بقیه مذاهب مسلمان سنی‌مذهب که حکومت‌های دموکرات و حاکمان و رژیم‌های حاکم تأیید می‌کنند، می‌شود که همگی محکوم به کفر هستند» (Issue 1, Dabiq, 1435: 11)</p>
«جهاد بر علیه صفوی‌ها و	<p>- منافقان داخلی اصلی‌ترین دشمنان دولت اسلامی هستند</p>	<p>ابوبکر البغدادی: «من درخواست خود را از همه جوانان مسلمان در سراسر جهان مطرح</p>

<p>«رافضی‌ها» «هجرت»</p>	<p>،چرا که شیعیان هم کافرند و عامل اصلی تسلط دشمن غربی می‌شوند؛ - نبرد آخرالزمان با صلیبی‌ها گام انتهایی دولت اسلامی است که پس از استقرار آن در جهان اسلام صورت می‌گیرد - وظیفه مسلمانان غربی هجرت بسوی دولت اسلامی برای جهاد، یا فداکاری در راه این دولت در همان کشورهای غربی است</p>	<p>می‌کنم و از آن‌ها می‌خواهم تا به سمت ما هجرت کنند و پایه‌های دولت اسلام را تحکیم بخشند و در جهاد علیه رافضی‌های صفوی، شیعیان مجوسی مشارکت کنند» (AI- Baghdadi, 2012). ابوالحسن المهاجر: «ای مسلمانان غربی) از این جوامع غربی خارج شوید؛ نه فقط در حمایت از برادران و خواهرانتان که با پرداخت مالیات‌های شما (به کشورهای غربی) کشته می‌شوند، بلکه برای محفوظ ماندن از عذاب خدا برای خانتان» (Wood, 2015).</p>
<p>«ایجاد خلافت اسلامی»</p>	<p>- هدف اصلی ایجاد خلافت است و عدم اعلام خلافت در شرایط کنونی از سوی مجاهدان گناه کبیره است؛ - خلافت واجب کفایی است که به جهت آماده شدن مقدمات آن از سوی داعش اعلام شده است؛ ایجاد خلافت پایگاه سرزمینی برای تداوم جهاد است و بدون آن ارزش‌های اسلامی باقی نمی‌ماند؛</p>	<p>ابومحمد العدنانی: «اجرای حدود شرعی، تخریب مظاهر قبور و اماکن زیارتی، آزادسازی زندانیان، انتصاب قضات، جمع‌آوری جزیه از مسیحیان، جمع‌آوری زکات، و آموزش مردم از طریق کلاس‌های مذهبی (پس از همه اینها)... تنها یک مسئله باقی مانده است، یک واجب کفایی که امت با فرو گذاشتن آن مرتکب گناه می‌شود و آن یک تعهد فراموش شده در تاریخ است... آن همان خلافت است.» (Al-Adnani, 2014a) دابق: «پرچم خلافت بر فراز مکه و مدینه برافراشته خواهد شد حتی اگر منافقان و مرتدان آنرا کوچک بشمارند؛ پرچم خلافت بر فراز بیت المقدس و رم برافراشته خواهد شد حتی اگر یهودیان و صلیبیان آنرا خوار بشمارند؛ سایه این پرچم پربرکت آنچنان گسترش خواهد یافت که همه غرب و شرق زمین را در بر می‌گیرد و جهان با حقیقت و عدالت اسلامی آکنده خواهد گردید و به دروغ و استبداد جاهلیت نوین پایان خواهد داد» (Dabiq 5, ۱۴۳۶: ۵).</p>

یافته‌های پژوهش: ادراک بین‌الذهانی تکفیری

از دیدگاه سازه‌انگاری، کنشگران براساس معانی که چیزها و سایر کنشگران برای آنها تولید می‌کنند عمل می‌نمایند. این معانی بین‌الذهانی در تعامل شکل می‌گیرند. به‌گونه‌ای که افراد از محیط اجتماعی - سیاسی اطراف، نوعی طرح‌شناختی یا چارچوب ذهنی خاص در ذهن خود می‌سازند و این تصورات به جای واقعیات عینی و بیرونی، هویت و رفتار آنها را تعیین می‌کنند (Borum, 2004: 14). با توجه به نتایج تحلیل متحوا می‌توان ادراکات جریان تکفیری را تبیین کرد.

الف - ادراک «مظلومیت و تجاوز»: نسل اول تکفیری

«گراهام فولر» و «یان لسر» بر این نکته تاکید می‌کنند که دو مضمون کلیدی بیش از همه مشخص‌کننده تصورات اسلام‌گرایان در روابط با دیگران است؛ ۱- رجعت به گذشته پرشکوه تمدن اسلامی و ۲- احساس گسترده تحقیر مسلمانان توسط غرب (فولر و لسر، ۱۳۸۴: ۴۹-۲۷). لذا خشونت و رشد گروه‌های تروریستی معلول خشونت نظامی غرب و بویژه امریکا در جهان اسلام و تلقی بین‌الذهانی مبتنی بر «مظلومیت» مسلمانان در برابر «تجاوزگری» دشمن غربی است که بر این اساس جهاد به عنوان «مهمترین وظیفه برای زدودن وضعیت فلاکت بار مسلمانان» مطرح می‌شود (Azzam, 2012a: 13). منطبق بر این ادراک «اسامه بن لادن» با گردآوری مبارزان عرب-افغان و همراهی «ایمن الظواهری» و متکی بر ایده سیدقطب که «مسلمانان واقعی، آنهایی هستند که: در راه اعتلای کلمه حق به جهاد مشغول‌اند» (سید قطب، ۱۳۷۲: ۳۹)، سازمان القاعده را تشکیل داد تا جریان مومن قرآنی تاسی‌کننده به نسل صحابه را به عنوان نیروی پیشتاز، بسوی سرزمین‌هایی هدایت کند که مسلمانان در آنان تحت ستم هستند (Gunaratna, 2003: 21). او با توجه به حمله امریکا به عراق در جنگ خلیج فارس، حضور نظامی در سرزمین عربستان و حمایت مستمر از رژیم صهیونیستی؛ در اوت ۱۹۹۶ اعلامیه «جهاد علیه امریکایی‌های اشغالگر حرمین شریفین» و همچنین در فوریه ۱۹۹۸ «جبهه اسلامی جهانی علیه ائتلاف صلیبی - یهودی» همراه با برخی دیگر رهبران جهادی منتشر و فتوای «کشتن امریکاییان و متحدان آنها - چه شهروندان و چه نظامیان - را به عنوان واجبی عینی» (Bin Laden, 2004: 74) اعلام کرد. بر این اساس مهمترین عملیات ضدامریکایی القاعده، در ۱۱ سپتامبر روی داد که بن لادن آن را به مثابه «نبرد موهته، آغاز زوال امریکا» (Bin Laden, 2004: 224) نامید. راهبرد عملیاتی القاعده نیز در قالب «مقابله به مثل» و «توازن فی‌الرعب» قرار گرفت (جوکار، ۱۳۹۰). بن لادن بر این باور بود می‌توان

در ایجاد وحشت از طریق کشتن امریکایی‌ها توازنی به وجود آورد که نهایتاً امریکا را مجبور به خروج از جهان اسلام سازد. او این اقدامات را بر اساس فتوای «ابن قیم جوزی» که «اگر کافران زن‌ها و بچه‌های شما را کشتند، بنابراین شما نباید از انجام مقابله به مثل شرم کنید» (Bin Laden, 2004: 241)؛ امری شرعی و بر اساس استدلال «آنچه در یازدهم سپتامبر گذشت صورتحساب خودتان بود که مرجوع شد» (بن لادن، ۱۴۲۹) توجیه نمود.

ب- ادارک «جنگ صلیبی»: نسل دوم تکفیری

دیگر شاخصه برانگیختگی هویتی که منجر به تشدید افراط‌گرایی در آن شد، به ادارک بین‌الاذهانی آنان از تحولات منطقه‌ای پس از ۱۱ سپتامبر باز می‌گردد. به گونه‌ای که صحنه جنگ در عراق (۲۰۰۳م) از سوی جریان سلفی به عنوان جنگ صلیبی سوم و یک نبرد تاریخی آخرزمانی مورد فهم قرار گرفت که همه اسلام مورد هجوم قرار گرفته است. اما آنچه باعث فهم بالا گردید، شکل‌گیری یک نظام دموکراتیک با اکثریت شیعی در عراق بود که در جهت تضعیف اعراب سنی و افزایش قدرت منطقه‌ای ایران تلقی می‌شد (Beehner, 2006). لذا گروه‌های سلفی متأثر از «محمد بن سرور زین العابدین» که در کتاب خود با عنوان «وجاء دور المجوس^۱» اعلام کرده بود: «انقلاب (امام) خمینی در ایران، مجوسی و نه اسلامی، عجمی و نه عربی، کسرایی و نه محمدی است» (محمدالغریب، ۱۳۹۳: ۲۴۱)، ضدیت با ایران صفوی و شیعیان رافضی را در دستور کار قرار دادند. در نتیجه این انگاره‌پردازی، تصوّراتی همچون؛ «اشغال عراق توسط رافضیان»، «همدستی ایران با کفار امریکایی علیه اهل سنت در عراق» و ... با شبیه‌سازی جنگ‌های صلیبی مطرح گردید (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۸). مهمترین چهره تکفیری موثر در عراق «ابومصعب زرقاوی» بود که ضمن بیعت با بن لادن، چندین گروه و نهایتاً «دولت اسلامی عراق» به عنوان شاخه القاعده در عراق را تاسیس کرد که به دلیل برخورداری از یک شبکه گسترده برای جذب و استخدام افراد در سطح بین‌المللی، به سرعت رشد کرد (Lister, 2014: 9). وی سخنرانی‌های مشهوری با عنوان «هل اناک حدیث الرافضه» ایراد و ضمن تاکید بر خیانت‌های تاریخی شیعیان به اهل سنت اعلام کرد: «پیروزی بر کافران متجاوز نظیر یهودیان و مسیحیان امکان‌پذیر نخواهد بود مگر اینکه ابتدا جهاد علیه شیعیان صورت گیرد» (الزرقاوی، ۱۴۲۷: ۱۱). لذا حملات القاعده در عراق با الگوی غالب عملیات انتحاری، عمدتاً متوجه نهادهای دولتی و اهداف سیاسی نظیر

احزاب شیعی، اهداف شهری نظیر تجمعات و مراکز شیعی گردید (مهربان، ۱۳۸۷: ۵۰). این اولویت دادن به جهاد علیه شیعیان اصلی‌ترین تفاوت راهبردی میان القاعده عراق به عنوان نسل دوم تکفیری با سازمان القاعده مرکزی به عنوان نسل اول بود. لذا «ایمن الظواهری» ضمن انتقاد از این رویکرد به شکل مکرر طی نامه‌هایی به زرقاوی درباره پابندی به دو هدف القاعده یعنی؛ لزوم بیرون راندن نیروهای دشمن امریکایی از عراق و استقرار یک موجودیت اسلامی در این کشور هشدار می‌داد (Bar & Minzili, 2006: 41).

ج- ادارک «خلافت و هجرت»: نسل سوم تکفیری

بر اساس نتایج تحلیل محتوا در ادامه رقابت منطقه‌ای که از زمان اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ آغاز شده و در انقلاب‌های عربی تشدید گردید؛ کنش کشورها برای تغییر توازن، معطوف به استفاده از بازیگران هویتی در قالب «منازعه نیابتی» برای نفوذ در نظام‌های سیاسی دولت‌های ضعیف منطقه بود (Gause, 2014: 12). در این فرآیند، گروه‌های سلفی به‌عنوان ابزار کنش سیاسی بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ ایفای نقش کردند، چه اینکه آنان در دغدغه مقابله با ایران به عنوان دشمن اصلی با کشورهای عربی و غربی هم‌راستا بودند. لذا بویژه اعتراضات در سوریه وضعیت خشونت‌آمیز پیدا کرد چرا که اولاً مخالفت‌های سیاسی به ورطه درگیری فرقه‌ای بین سنی و علوی کشیده شد و ثانیاً حمایت خارجی نامتوازنی به نفع گروه‌های سلفی افراطی صورت گرفت (Lund, 2012). همین فرایند منجر به ظهور داعش به عنوان «نسل سوم سلفی افراطی» گردید. در واقع آنچه که به داعش تبدیل شد، همان دولت اسلامی عراق به رهبری «ابوبکر البغدادی» بود که با آغاز جنگ سوریه، ابتدا با درگیری با جبهه النصره (شاخه القاعده سوریه) حوزه نفوذ خود را به شام گسترش و خود را «دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) نامید و پس از ناکامی میانجی‌گری الظواهری در فوریه ۲۰۱۴ (Jones, 2014: 23)، از القاعده خارج و نهایتاً پس از تصرف شهر موصل در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ تشکیل «خلافت اسلامی» با هدف «پایان قرارداد سایکس-پیکو» را اعلام کرد (Lister, 2014: 15).

رشد نسل سوم سلفی افراطی که کنش تکفیری دارند، در واقع به لحاظ ساختاری نتیجه تحولات بین‌المللی متأثر از افول هژمونی امریکا و افزایش رقابت‌های سطح منطقه‌ای در غرب آسیا است که غیریت‌سازی سلفی را در سطح جهان اسلام تعریف می‌کند. همچنین به موازات فرایند فوق، متأثر از ساختارهای معنایی نظام بین‌الملل، بحران هویت و تعریف کیستی جوانان مسلمان

مهاجر در غرب یکی از اصلیت‌ترین ریشه‌های افراط‌گرایی در دهه اخیر بوده است که این پدیده عمدتاً با داعش پیوند یافته است. در تبیین این موضوع به اعتقاد «اولیور روی»؛ افراط محصول «سرزمین‌زدایی از اسلام» است، یعنی آحاد جوانان مسلمان ساکن در غرب ریشه‌های فرهنگی خود را از دست داده‌اند (روآ، ۱۳۸۷: ۱۸-۲۷) و همین بی‌هویتی در شرایط تبعیض اجتماعی، ریشه افراط است که «نه ربطی به دین دارد و نه به سیاست، بلکه مسئله‌ای نسلی مرتبط با مسلمانان نسل دوم مهاجر به غرب است» (Roy, 2016). این جوانان با جستجوی معنا برای زندگی به سرعت جذب اندیشه‌های سلفی می‌شوند که نسبت به وضعیت عادی زندگی، مزایایی از جمله ایجاد احساس داشتن هدف فراتر از رنج‌های جاری زندگی، یک هویت روشن‌تر و حس تعلق، احساس حضور در امت اسلامی به عنوان یک کل، دارد (Moniquet, 2013: 12). بویژه اینکه این زندگی جدید دارای ابعاد شدید خشونت نیز می‌باشد و آنها را قادر می‌سازد تا از جامعه غربی‌ای که در آن به عنوان یک حاشیه‌نشین؛ دچار نگاه تبعیض‌آمیز بوده‌اند، انتقام بگیرند. ویژگی برجسته داعش یارگیری فزاینده از میان همین جوانان اروپایی است که به گزارش «سوفان گروپ»^۱ از ۸۱ کشور جهان (Barret, 2014: 23) که طبق اطلاعات «آژانس اطلاعات مرکزی امریکا» حدود ۳۰۰۰ آنها اروپایی و امریکایی هستند (Sanderson & Barber & Russakis, 2015: 55). جذابیت داعش در کنار ترسیم خلافت اسلامی، آن است که بر عنصر هجرت در رسانه‌های خود به شدت تبلیغ می‌کند. نظیر حدیثی به نقل از «ابوذر غفاری» که در نشریه دابق آمده است؛ «این وعده خداوند است که بزرگترین جمعیت مهاجر تاریخ اسلام در سرزمین شام برای یاری دولت اسلامی گرد هم می‌آیند» (Issue3, Dabiq, 1435: 5-9). با توجه به این تبلیغات، هجرت‌کنندگان بسوی داعش ادعا می‌کنند انگیزه‌ای برای بازگشت ندارند، بلکه «ک مک» به مظلومان و شهادت در راه استقرار خلافت را بر داشتن یک پاسپورت قرمز اروپایی ترجیح می‌دهند (Lister, 2014: 35).

یافته‌های پژوهش: تعریف نقش و اهداف افراطی

با توجه به شباهت عنصر معنایی و آموزه‌های سلفی به عنوان شاخصه اصلی بازیگری گروه‌های تکفیری، آنچه تفاوت میان این گروه‌ها را ایجاد می‌کند، ادراکی است که تحت تاثیر ساختارهای پیرامونی پیدا می‌کنند و بر اساس آن نقش و مسیر کنشگری خود را برای نیل به اهداف تعریف می‌کنند.

الف- کنش جهاد همبستگی و اولویت به دشمن دور

درک مبتنی بر تجاوزگری صلیبی و مظلومیت جهان اسلام در کنار این احساس قدرت که در مجاهدان عرب افغان پس از شکست شوروی پدیدار شد، باعث گردید آنها در اینکه صحنه بین‌الملل را «جهادی» ببینند، تردیدی به خود راه ندهند و باید در جاهلیت کنونی به پا خیزند (Zeidan, 2001: 31). در این میان اسامه بن لادن و ایمن الظواهری که رهنمود سید قطب در کتاب «معالم فی الطریق» را در راستای تشکیل یک گروه پیشاهنگ انقلابی، با تاسیس القاعده عینیت بخشیدند و دیگر رهبران فکری نظیر؛ عبدالله عزام، ابو محمد المقدسی و ابوقتاده الفلستینی و ... مفهوم «جهاد همبستگی» (جهاد التضامنی) را مطرح و اولویت مبارزه را به جهاد علیه امریکای صلیبی (دشمن دور) دادند که جهان اسلام را به اشغال درآورده است. لذا ایمن الظواهری ضمن تاکید بر اینکه «نبرد بین اسلام و دشمنانش نسبت به اختلافات داخلی در اولویت قرار دارد» (Al-Zawahiri, 2001)، در رساله «دستورالعمل‌های عمومی برای جهاد» خطاب به امرای منطقه‌ای القاعده در سال ۲۰۱۳ آورده است: «اقدامات نظامی القاعده در وهله اول سران (بین‌المللی) کفر، امریکا و متحدش اسرائیل و دوم متحدان داخلی‌اش را که در دیگر کشورها حاکم هستند، هدف قرار می‌دهد» (Al-Zawahiri, 2013). انتخاب امریکا به عنوان دشمن دور نشانگر یک نگرش راهبردی در سازمان القاعده بود چرا که اولاً؛ مبارزه با «ائمه الکفر» باعث می‌شود کشورهای وابسته در جهان اسلام خود به خود فرو بریزند. ثانیاً؛ همه مسلمانان جنایات امریکا را می‌بینند و لذا حمایت از جهاد القاعده تضمین می‌شود (Aaron, 2008: 196). ثالثاً؛ القاعده مشکل کمتری برای استدلال شرعی درباره چگونگی عملیات‌های ضد امریکایی خواهد داشت (Malka, 2015: 16).

به عنوان هدف گذاری، ایدئولوژی القاعده به عنوان نسل نخست تکفیری با توجه به مطلوب‌ها و هدف نهایی در نظر گرفته از «جهاد» آغاز و به «جهاد» نیز ختم می‌شود. در واقع القاعده خود را به عنوان نیروی پیشتاز جهان اسلام در نظر می‌آورد که موظف است تا موازنه شکل گرفته در نظام بین‌الملل علیه مسلمانان را برهم بزند. لذا ایمن الظواهری در کتاب «مبارزان تحت لوای پیامبر» هرچند هدف غایی را خلافت می‌داند اما هدف جهادی را بر آن مقدم می‌دارد، چرا که «تا زمانی که جهان اسلام زیر یوغ امریکا و یهود هستند نمی‌توان اصلاحی (ایجاد خلافت) صورت داد» (Al-Zawahiri, 2001). القاعده همچنین جامعه اسلامی را آماده خلافت نمی‌داند، لذا ارتقای معنوی جامعه از طریق دعوت و آموزش را پیش شرط اساسی احیای خلافت می‌داند (Malka, 2015: 17-18).

ب- کنش تکفیری و جهاد مکانی علیه دشمن نزدیک

در کنش تکفیری، «جهاد مکانی» با نزدیک‌ترین دشمنان در اولویت خواهد بود چه اینکه قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ» (قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۲۳). به همین علت نسل دوم تکفیری (القاعده در عراق، جبهه النصره سوریه و ...) نسل سوم تکفیری در قالب خلافت اسلامی داعش، ضمن تکفیر شیعیان به دلیل اعتقاد به شفاعت، توسل، زیارت و ...، در یک بازسازی تاریخی آنها را همکار دشمنان در جنگ‌های صلیبی نیز تصور و لذا به طور فزاینده‌ای تمرکز خودشان را بر انجام حملات علیه «دشمن نزدیک» قرار دادند (Lister, 2014: 1-3). آمارها نیز نشان می‌دهد در فاصله سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ در حالی که عملیات‌ها در عراق، علیه دشمن امریکایی تقریباً ثابت (حدود ۱۰ عملیات در سال) بوده است، اما عملیات تروریستی علیه اهداف داخلی (دولت، گروه‌های سیاسی و مردم شیعه) روند افزایشی (به بیش از ۹۰۰ مورد در هر سال) داشته است (Jones, 2014: 36). ۴۱ درصد حملات انتحاری نیز صرفاً شهروندان عادی را هدف قرار داده است (Chicago Project, 2016). «ابومحمد العدنانی» سخنگوی پیشین داعش؛ روش برخورد با شیعیان را نقطه اصلی اختلاف این گروه با القاعده عنوان کرد که القاعده معتقد به موعظه شیعیان، اما داعش به دنبال جنگ با آنهاست (Al-Adnani, 2014b). در این میان مهمترین مرجع فقهی داعش در کشتارها، کتاب «مسائل من فقه الجهاد» اثر «ابوعبدالله المهاجر» است که کشتار غیرنظامیان مسلمان (شیعیان) ولو در صحنه نبرد حاضر نباشند را جایز اعلام کرد (عشوری، ۱۳۹۵).

نسل سوم تکفیری‌ها همچنان عملیات علیه اهداف غربی را نیز در دستور کار دارد، بویژه بر اساس راهبرد «النصر بالرعب» حملات علیه شهروندان و امکان عمومی در کشورهای غربی از طریق شناسایی و جذب «گرگ‌های تنها» (افراد دارای تمایلات افراط‌گرایانه، اما تنها و سازمان‌نیافته) و استفاده از آنها برای انجام اقدامات تروریستی در کشورهای غربی است. به همین دلیل «ابومحمد العدنانی»، از مسلمانان در جوامع غربی خواست تا «منتظر فتوای هیچ کسی نباشد ... کافر را یافته و مغزش را در سنگ فرش خیابان بریزند»: چرا که «حکم کافران یکی است. چه غیرنظامی و چه نظامی، همه بی‌ایمان هستند» (Al-Adnani, 2014c).

باوجود اشتراک در کنش تکفیری و جهاد علیه صفوی‌ها و روافض، اما در هدف‌گذاری میان نسل دوم و سوم تکفیری‌ها تفاوت زیادی وجود دارد. در واقع با افزایش زیرشاخه‌های القاعده مرکزی در مناطق مختلف از جمله عراق، یمن، سومالی، سوریه و ... به عنوان نسل دوم جریان

سلفی-افراطی، ایجاد امارت اسلامی به عنوان یکی از اهداف مطرح گردید. شکل‌گیری امارت اسلامی از این جا ناشی می‌شد که اکثر این گروه‌ها در مناطق تحت کنترل بر اهمیت توحید، اجرای شریعت و نیز ایجاد پایگاهی برای تداوم جهاد تأکید داشتند. الگوی امارت اساسا الگویی محلی و چیزی میان الگوی جهادی سازمان القاعده و الگوی خلافت داعش می‌باشد (Malka, 2015: 10). اما داعش آنچنان که نشریه دابق بیان می‌کند؛ «خواستہ قلبی مجاهدین از زمان آغاز جهاد در این قرن که همواره احیای خلافت بوده را به عنوان فرصتی برای اتحاد امت تحت اقتدار خلیفه جامه عمل پوشانده است» (Issue1, Dabiq, 1435: 41). شکل‌گیری خلافت شامل پنج گام است که داعش آن را طی کرده است: هجرت، جماعت، نفی طاغوت، تمکین، خلافت (Dabiq, Issue1, 1435: 34-39). لذا داعش بر عکس رویکرد جنبشی القاعده، اساسا به دنبال سرزمینی در عراق و سوریه برای ایجاد دولت و هسته‌ای اولیه برای خلافت اسلامی فراملی است (Friedman, 2014) که این خود مقدمه جهاد است.

الگوی مفهومی هویت‌یابی افراط‌گرایی متأثر از نظام بین‌الملل

تأثیر نظام بین‌الملل پسا جنگ سرد بر جریان تکفیری در دو حوزه ۱- تشدید گرایش افراطی در میان اسلام‌گرایان و ۲- تحول شیوه‌های کنشگری و هدف‌گذاری درون جریان تکفیری قابل تحلیل است.

الف- تحول به افراط‌گرایی

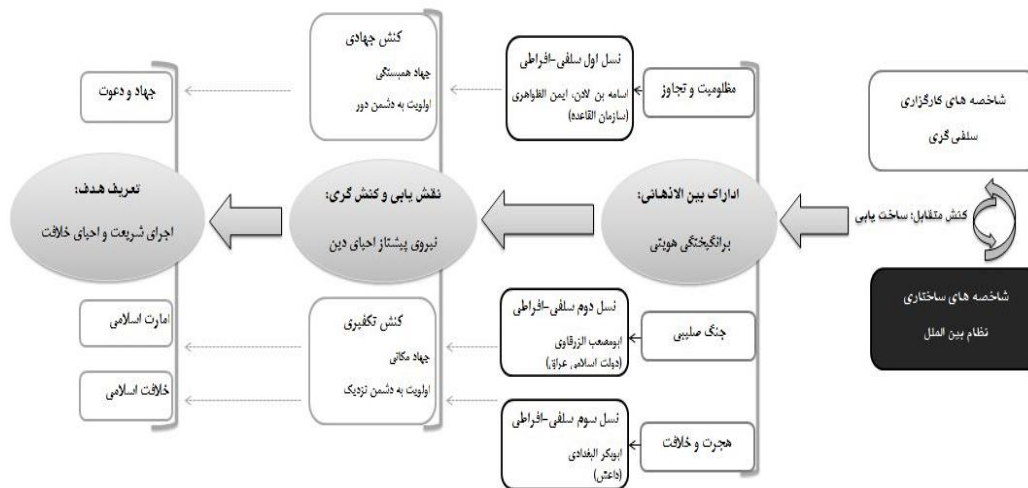
مبانی و معانی اندیشه سلفی در قالب مفاهیمی چون توحید، فهم دینی سلف، نص‌گرایی و باورهای سلفی نظیر بدعت، جاهلیت، حاکمیت الهی، امت‌گرایی و ... به عنوان هسته معنایی جریان سلفی و افراطی مطرح می‌شود. اینها شاخصه‌های معنایی سلفی افراطی به عنوان یک کارگزار در نظام بین‌الملل می‌باشد. اما آنچه باعث می‌گردد هویت افراطی برساخته شود، برهم کنش شاخصه‌های کارگزاری تفکر سلفی با بحران‌های بیرونی تحمیلی در قالب ساختارهای بین‌الملل است که نظام هویت اعتمادپایه سلفی را مورد هجوم قرار می‌دهد. در واقع مولفه‌های مادی نظام بین‌الملل پسا جنگ سرد در قالب هژمون‌جویی امریکا و تشدید مداخلات نظامی در جهان اسلام تا جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ که منجر به خشونت‌های گسترده‌ای علیه مسلمانان شد (به عنوان متغیر مستقل) و پس از آن روندهای کاهش توانایی امریکا و متناظر با آن روند

منطقه‌گرایی و آزادی عمل بازیگران منطقه‌ای (به عنوان متغیر تسهیل کننده) نیز منجر به بروز واکنش‌های موازنه‌گرایانه در جهان اسلام و در قالب تروریسم سلفی گردید. ساختار نهادی نظام بین‌الملل نیز با مولفه‌هایی چون کاهش اقتدار نهاد دولت، ایجاد خلاهای امنیتی در مناطق به سبب شکاف‌های ساختاری در کشورها، عملکرد دولت‌های فرقه‌گرا، تسهیل ارتباطات بین‌المللی تروریسم و گسترش ابزارهای رسانه‌ای باعث شد بستر لازم و شرایط مناسب برای کنش‌گری افراطی در اسلام سیاسی فراهم شود. لذا چنانچه در تحلیل محتوای آثار بزرگان سلفی مشخص است، در شکل‌گیری افراط اسلام‌گرایان در خلاء رشد نیافته‌اند بلکه در تعامل با غرب به این شکل قوام یافته‌اند. غرب نیز با اقدامات تهاجمی سرزمینی و فرهنگی خود، تصور افراط‌گرایان را به خود قوام بخشیده است.

این الگوی مفهومی در شکل شماره ۲ ترسیم شده است که طی آن بر مبنای نگرشی برسازانه، بینادهنیت به عنوان ادارک عمومی شکل می‌گیرد. بر اساس نگرش تفسیری و مبتنی بر تحلیل محتوای معانی بین‌الاذهانی؛ مظلومیت، وجود حاکمان فاسد و دشمنان کافر، جنگ صلیبی، هجرت، و ... شاخصه‌های ادارکی جنبش‌های اسلام‌گرا (بویژه سلفی‌ها) از شرایط جهان اسلام و مسلمانان است که در طول دوره تاریخی پسا جنگ سرد به وجود آمده است. در این میان پرداختن به روند شکل‌گیری القاعده نشان می‌دهد این سازمان به نحو وثیقی مرتبط با یک درک بین‌الاذهانی ناشی از «تجاوز غرب به سرزمین مظلوم اسلام» می‌باشد که منبث از آن نسل اول تکفیری با ویژگی «جهاد مستمر ضد امریکایی» به وجود می‌آید. مبارزه با منافقان و جنگ صلیبی؛ دیگر انگاره‌ای است که در سیر موضوعی و تاریخی تحول افراط‌گرایی می‌توان بدان پرداخت که مربوط به تحولات جهان اسلام پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ است.

مشخصه نسل دوم سلفی افراطی در قالب القاعده عراق یا النصره سوریه این است که بر خلاف تذکر اسامه بن لادن درباره «فرصتی طلایی برای ریختن خون امریکایی‌ها» (بن لادن، ۱۴۲۷). «کنش تکفیری» و «مقابله با شیعیان» را دستور کار قرار دادند. دیگر شاخصه برانگیختگی در اسلام سیاسی که نشان دهنده گسترش کنش افراطی است را می‌توان بر اساس مفهوم «هجرت» تبیین کرد که عمدتاً در چارچوب بحران‌های ناشی از ساختارهای معنایی نظام بین‌الملل می‌باشد، منجر به تشدید تعارضات هویتی مسلمانان شده و طبق نظر «ابوحسن المهاجر» سخنگوی امریکایی داعش «هجرت به عنوان یکی از گزینه‌های پیش‌رو را ضرورت ساخته است» (Wood, 2015) بر این اساس نسل سوم تکفیری با تاکید بر لزوم ایجاد «خلافت اسلامی» به عنوان مقدمه جهاد با

ویژگی حضور پررنگ مسلمانان اروپایی از نسل‌های پیشین متمایز می‌گردد.



شکل شماره ۲: الگوی مفهومی هویت‌یابی اسلام تکفیری متأثر از ساختار نظام بین‌الملل

ب- تحول در افراط‌گرایی: گذر نسلی از القاعده تا داعش

تحول درون القاعده و ظهور نسل‌های دوم و سوم سلفی افراطی این سازمان که منجر به تاسیس خلافت اسلامی داعش گردید را می‌توان به عنوان تحولی درون افراط‌گرایی مورد مطالعه قرار داد.

منطقه‌گرایی متأثر از شرایط نظام بین‌الملل در قالب تحول سازمانی، اولین مشخصه تحول در افراط‌گرایی است چه اینکه گذر از نظام بین‌الملل دوقطبی و اهمیت یافتن سطوح منطقه‌ای بویژه با افول هژمون‌گرایی امریکا پس از اشغال عراق باعث گردید تا نوعی پراکندگی در نگرش ناشی از پراکندگی جغرافیایی در برخی اجزای القاعده روی دهد. لذا القاعده آشکارا به یک سازمان چندقطبی با یک مدیریت مرکزی ناتوان در وزیرستان شمالی پاکستان و تعدادی گروه خودمختار در سایر کشورها تبدیل شد (Braniff & Moghadam, 2011: 41). بویژه اقتضائات خاص جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ و ادارک سلفی‌ها مبتنی بر جنگ صلیبی باعث شد اساساً روند حرکتی القاعده عراق از رهبران نسل اول متمایز گردد و آنها کنش خود تکفیری و معطوف به جهاد مکانی علیه دشمنان نزدیک نمایند.

تشدید رقابت هویتی و ژئوپلیتیک منطقه‌ای، دیگر مشخصه تحول در افراط‌گرایی است. چرا که گروه‌های سلفی به مرور تحت تاثیر مناسبات منطقه‌ای و رقابت‌های هویتی در غرب آسیا قرار گرفته‌اند. در حالیکه پیشتر القاعده به عنوان یک جریان جهادی در چارچوب بیانه «تشکیل جبهه جهاد علیه یهود و صلیبان» در سال ۱۹۹۸ در راستای برپایی امت اسلامی زیر پرچم وحدت حرکت می‌کرد، اما اشغال عراق توسط امریکا در سال ۲۰۰۳ باعث شد تا گروه‌های سلفی-افراطی که در راستای آشوب‌سازی در فضای منطقه‌ای علیه دشمنان نزدیک کنشگری نمایند. در این شرایط کنش سیاسی کشورهای منطقه به بهره‌گیری از ادبیات فرقه‌گرایانه و همچنین استفاده از ظرفیت‌های فرقه‌ای معطوف گردید. کاهش حضور نظامی امریکا در عراق پس از روی کار آمدن اوباما نیز باعث شد امریکا موضوعیت لازم را برای جهاد از دست بدهد و گروه‌های سلفی تمرکز بیشتری روی دولت‌های شیعی ایران و عراق پیدا کنند. پس از آن نیز راهبرد «باراک اوباما» در قالب «حضور غیرمستقیم و موازنه قدرت» (Friedman, 2015)، باعث شد تا این کشور گسترش «جنگ‌های نیابتی» را اصلی‌ترین ابزار برای مدیریت تخاصم در غرب آسیا به شمار آورد و لذا گروه‌های افراطی در راستای این راهبرد؛ توسط کشورهایی چون عربستان، ترکیه، قطر و ... نقش‌یابی گردیدند. در واقع آنچه در بحران‌های امنیتی منطقه در کشورهایی چون عراق، سوریه اتفاق می‌افتد؛ نوعی سازماندهی آشوب سیاسی و منازعه‌ای با الگوی نامتقارن است که گروه‌های هویتی هر یک بر اساس ابزارهای اجتماعی، رسانه‌ای، امنیتی و ایدئولوژیک قدرت‌های حامی، سازماندهی می‌شوند (Garnett, 2005: 46).

ساختار معنایی نظام بین‌الملل و متاثر از آن بحران هویت و تبعیض مسلمانان اروپایی، سومین شاخصه موثر بر افراط‌گرایی بوده است. در واقع ظهور نخستین نسل‌های - سلفی افراطی نظیر القاعده با خشونت‌طلبی فیزیکی و منافع راهبردی غرب در جهان اسلام مرتبط است اما نسل سوم سلفی - افراطی داعش در عین اینکه محصول خشونت فیزیکی غرب است، اما حضور جوانان اروپایی در آن نشان دهنده تاثیرات فرهنگی تر سلطه غرب ناشی از تبعیض و احساس شدید طردشدگی است. به گونه‌ای که سلفی‌گری برای این جوانان صرفاً خطابه‌هایی دینی نبوده، بلکه محصولی متناسب با جوانی و احساس بی‌هویتی و تحقیر درون آنها است (Roy, 2016). در حقیقت موضوع افراطی‌شدن اسلام نیست، بلکه این افراط‌گرایی است که خود را در پوشش اسلام و به عنوان یک گرایش ضد هژمونیک در برابر قدرت برتر هژمونیک فرهنگی جامعه غربی نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش تفهم قوام‌یافتن هویت اسلام سلفی - افراطی متأثر از نظام بین‌الملل است. به همین دلیل بر اساس مبانی فرانظری سازه‌انگاری؛ شاخصه‌های کارگزاری افراط‌گرایی (مبانی و انگاره‌های سلفی) در تعامل با شاخصه‌های ساختاری نظام بین‌الملل قرار گرفت. با تحلیل محتوای کیفی ادراک بین‌الذهانی، گروه‌های سلفی - افراطی در قالب سه مولفه «مظلومیت»، «جنگ صلیبی» و «هجرت» استخراج شد که در یک روند تاریخی سه نسل از سلفی - افراطی را توصیف می‌نماید. بر اساس فهم سه‌گونه ادراک فوق، تعریف کنش و هدف‌گذاری گروه‌های سلفی - افراطی اهمیت می‌یابد که در قالب دو کنش جهادی و تکفیری و سه هدف جهاد، امارت و خلافت مورد اشاره قرار گرفت که همه این موارد در الگوی مفهومی هویت‌یابی اسلام سلفی - افراطی متأثر از ساختار نظام بین‌الملل ترسیم و در نتیجه فرضیه اصلی پژوهش به این شکل ارائه می‌شود که مولفه‌های نظام بین‌الملل (هنجاری و مادی)، با تشدید برانگیختگی هویتی و ادراک مظلومیت اسلام و مولفه نهادی نظام بین‌الملل به عنوان تسهیل‌کننده، منجر به دگرسازی‌های خشونت‌آمیز و نقش‌یابی افراطی در قالب دو کنش جهادی و تکفیری در میان اسلام‌گرایان برای نیل به آرمان خلافت شده است. همچنین مولفه‌های ساختاری نظام بین‌الملل در یک بستر تاریخی ضمن تشدید روند اسلام‌گرایی بسوی افراط‌گرایی، تغییر درون افراط‌گرایی در قالب سه نسل سلفی - افراطی را نیز موجب شده است.

منابع

الف - فارسی

- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۲)، «منطقه‌گرایی نوین و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۷.
- ایمان، محمدتقی، نوشادی، محمودرضا، (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، پژوهش در علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۲.
- بخشی‌شیرازی، شیخ‌احمد، مهدی، (۱۳۸۷)، «القاعده و تروریسم مذهبی»، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۴۱.
- بوزان، باری و اولی‌ویور، (۱۳۸۷)، «مناطق و قدرت‌ها»، ترجمه: رحمان قهرمان پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پرایس، ریچارد و کریستین رئوس اسمیت، (۱۳۸۵)، «رابطه خطرناک؟ نظریه انتقادی روابط بین‌الملل و مکتب سازهانگاری» در اندرو لینکلتر: *نواقح‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب‌سازی*، ترجمه: علیرضا طیب، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳)، «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲۱، شماره ۶۴.
- روآ، الویه (۱۳۸۷)، *اسلام جهانی شده*، ترجمه: حسن فرشتیان قم: بوستان کتاب.
- جمشیدی، محمد، (۱۳۸۶)، «نظام‌های بین‌المللی تک قدرت محور: تک قطبی، هژمونی، امپراتوری»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۸.
- سید قطب، (۱۳۶۰)، *مقابله اسلام با سرمایه‌داری*، ترجمه: سیدمحمد رادمنش، تهران: بنیاد علوم اسلامی.
- سید قطب، (۱۳۷۲)، *ما چه می‌گوییم*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سیدنژاد، سیدباقر، (۱۳۸۹)، «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۳، شماره ۴۷.
- گریفیتس، مارتین، (۱۳۸۸)، *دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان*، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- فولر، گراهام، و یان لسر، (۱۳۸۴)، *احساس محاصره: ژئوپلیتیک اسلام و غرب*، ترجمه: علیرضا فرشچی و علی‌اکبر کرمی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- قزلسفلی، محمدتقی، (۱۳۸۶)، «امپریالیسم و جهانی‌شدن»، *پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۲، شماره ۶.

- عشوری، محمدرضا، (۱۳۹۵)، «مانیفست توحش در فقه داعش»، *طومار اندیشه*، منتشر شده در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۹۵، قابل دسترسی در: toumar.info
- متقی، ابراهیم، (۱۳۹۲)، «تحول رهیافت موازنه قدرت در نظم‌های منطقه‌ای: هویت‌گرایی در برابر ساختار‌گرایی»، *فصلنامه راهبرد*، دوره ۲۲، شماره ۶۷.
- محمدالغریب، عبدالله، (۱۳۹۳)، *طاعون: بررسی تحلیلی و ریشه‌های تاریخی ظهور تشیع افراطی*، ترجمه: علی مطهری، نشر اینترنتی: سایت تمکین.
- میراحمدی، منصور، (۱۳۸۹)، «گفتمان اسلامی و گفتمان جهانی»، *مجموعه مقالات اسلام و روابط بین‌الملل*، به اهتمام حسین پوراحمدی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مهربان، احمد، (۱۳۸۷)، «جنگ علیه تروریسم و افزایش حملات انتحاری در عراق و افغانستان»، *فصلنامه راهبرد*، دوره ۱۶، شماره ۴۸.
- نجاتی حسینی، محمود، (۱۳۸۷)، «جهانی شدن، امپریالیسم فرهنگی و اسلام سیاسی در خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، دوره ۱۵، شماره ۳ و ۴.

ب- عربی

- الزرقاوی، ابی مصعب، (۱۴۲۷ الف)، *کلمات مضیئه، الكتاب الجامع لخطب و کلمات الشیخ المعتر بدینه، الصادرة عن: شبکه البراق الاسلامیه*
- الزرقاوی، ابو مصعب، (۱۴۲۷ ب)، *سلسله محاضرات هل آتاک حدیث الرافضه، الصادرة عن: شبکه البراق الاسلامیه، متن کتاب قابل دسترسی در کتابخانه اینترنتی:*
https://archive.org/details/abumus3ab_doc_all.
- السوری، ابومصعب، (۱۴۲۵)، *دعوة المقاومة الإسلامية العالمية، نشر اینترنتی، متن کتاب قابل دسترسی در کتابخانه اینترنتی:*
<https://archive.org/details/Dawaaah>.
- الطواهری، ایمن، (۱۴۲۳)، *الولاء و البراء، عقیده منقولہ و واقع مفقود، الصادرة عن: منبر التوحید و الجهاد، متن کتاب قابل دسترسی در:*
http://www.ilmway.com/site/maqdis/MS_20361.html.
- بن لادن، اسامه، (۱۴۲۷)، *کلمه إلى أهلنا في العراق من الشيخ اسامه بن لادن، الصادرة عن: مؤسسة السحاب للإنتاج الإعلامي، بتاريخ ۲۳/۱۰/۲۰۰۷ قابل دسترسی در:*
https://archive.org/details/all_osama_speech.

- بن لادن، اسامه، (٢٠٠٩)، نص كلمه الشيخ أسامه بن لادن الى الشعوب الأوروييه، الصادره عن: مؤسسهُ السحاب للإنتاج الإعلامى، متن بيانہ قابل دسترسى در كتابخانه اينترنتى:
https://archive.org/details/all_osama_speech.
- عطيه الله، عبدالرحمن، (٢٠٠٨)، حزب الله اللبناني و القضية الفلسطينيه: رؤيه كاشفه، الصادره عن: مؤسسهُ السحاب.

ج - انگليسى

- Aaron, David, (2008), *In their Own Words Voices of Jihad*, RAND Corporation, National Defense Research Institute.
- Abuza, Zachary, (2003), "Funding Terrorism in Southeast Asia: The Financial Network of Al Qaeda and Jemaah Islamiyah", *NBR Analysis*, Vol 14, No 5.
- Al-Adnani, Abu Muhammad, (2014a), "This is the Promise of Allah", *Al Hayat Media Center*, June 29.
- Al-Adnani, Abu Muhammad, (2014b), "This is not our Methodology nor will it ever be," *Chabab Tawhid Media*, April 2014.
- Al-Adnani, Abu Muhammad, (2014c), "Indeed Your Lord is Ever Watchful," *Pieter vanostaeyen Wordpress*, September 22.
- Al-Baghdadi, Abu Bakr Al-Qurashi, (2012), "Allah Will Not Allow Except that His Light Should Be Perfected," *Fursan Al-Balagh Media*, July 2012.
- Al-Qaeda, (2002), "A Statement from Qaidat al-Jihad Regarding the Mandates of The Heroes and Legality of The Operation in New York and Washington", available at: http://www.mepc.org/public_asp/journal_Vol10/alqaeda.htm.
- Al-Zarqawi, Musab, (2004), "Zarqawi Letter: February 2004 Coalition Provisional Authority English Translation of Terrorist al Zarqawi Letter Obtained by United States Government in Iraq," February 2004, *U.S. Department of State*, <http://2001-2009.state.gov/p/nea/rls/31694.htm>.
- Al-Zawahiri, (2001), *Knights Under the Prophet's Banner: Meditations on the Jihadist Movement*, London: Al-Sharq Al-Awsat December 2.
- Al-Zawahiri, Ay Ayman, (2013), *General Guidelines for Jihad*, As-Sahab Media Establishment.
- Azzam, Abdullah, (2012a), *Defense of Muslim Lands: The First Obligation After Iman*, Published on Apr 20, 2012, Available in: <http://www.slideshare.net/baadshahm/defence-of-the-muslim-lands>

- Azzam, Abdullah, (2012b), *Al-Jihad Linguistically and Legally*, Available in: <https://archive.org/details/Al-jihad-LinguisticallyAndLegally>
- Baqai, Huma, (2011), "Extremism and Fundamentalism: Linkages to Terrorism Pakistan's Perspective", *International Journal of Humanities and Social Sciences*, Vol.1, No. 6.
- Bar, Shmuel & Yair Minzili (2006), "The Zawahiri Letter and the Strategy of Alqaeda", Washington DC, *Hudson Institute*.
- Barrett, Richard, (2014), "The Islamic State", *The Soufan Group*, New York :November 2014
- Beehner, Lionel (2006), "Iraqs Meddle Some Neighbors", *Council for Foreign Relations*, August 31, Available in: <http://www.cfr.org/iraq/iraqs-meddlesome-neighbors/p11377>
- Bernard, Haykel, (2009), "On the Nature of Salafi Thought and Action", in *Global Salafism: Islam's New Religious Movement*, ed. Roel Meijer, pp 33–57, London: Hurst.
- Bin Laden, (2004), *Compilation of Usama Bin Ladin Statements 1994 - 2004*, FBIS Report – January.
- Braniff, Bill & Assaf Moghadam, (2011), "Towards Global Jihadism: Al-Qaeda's Strategic, Ideological and Structural Adaptations since 9/11", *Perspectives On Terrorism*, Volume 5, Issue 2.
- Brooks, Stephen & William Wohlforth, (2001), "Power, Globalization and the End of the Cold War: Reevaluating a Landmark Case for Ideas", *International Security*, Vol. 25, No. 3.
- Borum, Randy, (2004), *Psychology of terrorism*, Tampa: University of South Florida.
- Chicago Project, (2016), "Suicide Attack Database", *Chicago Project on Security and Terrorism*, CPOST data posted as of October 12, 2016, Available in: http://cpostdata.uchicago.edu/search_results_new.php
- Esposito, John L (2014), "ISIS, Radicalization, and the Politics of Violence and Alienation", *The Center for the Study of Islam & Democracy (CSID)*, Sep 3.
- Friedman, George, (2014), "The Islamic State Reshapes the Middle East", *Geopolitical Weekly*, November 25.
- Friedman, George, (2015), "The Middle Eastern Balance of Power Matures", *Stratfor Enterprises*, Geopolitical Weekly March 31, Available in: <https://worldview.stratfor.com/article/middle-eastern-balance-power-matures>.
- Garnett, John (2005), "Limited war", in John Baylis, *Contemporary Strategy: Theories and Policies*, London: Croom Helm.

- Gause F. Gregory (2014), *Beyond Sectarianism: the New Middle East Cold War*, Brookings Institution: Doha Center analysis, Number 11.
- Gerges F. (2005), *The Far Enemy: Why Jihad Went Global*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Gunaratna, Rohan (2003), *Inside Al-Qaeda: Global Network of Terror*, Melbourne: Scribe Publications.
- Hanzel, Christopher, (2005), "The Origins of al Qaeda's Ideology: Implications for US Strategy", *Parameters*, Vol. 35, No. 1.
- Haass, Richard N. (2006), *The New Middle East*, foreign affairs, ESSAY Issue, December 1.
- Hegghammer, Thomas, (2010), "The Rise of Muslim Foreign Fighters: Islam and the Globalization of Jihad", *International Security*, Vol. 35, No. 3.
- Kfir, Isaac, (2014), "Social Identity Group and Human (In)Security: The Case of Islamic State in Iraq and the Levant (ISIL)", *Studies in Conflict & Terrorism*, Vo 38, Issue 4.
- Jones, Seth G. A, (2014) *Persistent Threat The Evolution of al Qa'ida and Other Salafi Jihadists*, RAND Corporation, National Defense Research Institute.
- Lister, Charles, (2014), *Profiling the Islamic State*, Brookings Institution: Doha Center analysis, Number 13.
- Lupovici, Amir, (2009), "Constructivism Methods: a Plea and Manifesto", *Review of International Studies*, Vol 35, No 1.
- Lund, Aron. (2012), "Syrian Jihadism", *Swedish Institute of International Affairs*, UL brif, No 13
- Malka, Haim, (2015), "Jihadi-Salafi Rebellion and the Crisis of Authority", in: *Religious Radicalism after the Arab Uprisings*, Editor: Jon B. Alterman, Washington: Rowman & Littlefield.
- Moniquet, Claude (2013), "The Involvement of Salafism/wahhabism in the support and supply of arms to rebel groups", *Policy Department DG External Policies*, 11 June.
- Roy, Olivier (2016), "France's Oedipal Islamist Complex", *Foreign Policy*, January 7.
- Sanderson, Thomas M & Michael Barber & Joshua Russakis, (2015), "Key Elements of the Counterterrorism Challenge", in: *Religious Radicalism after the Arab Uprisings*, Editor: Jon B. Alterman, Washington: Rowman & Littlefield.
- Wiener, Antje, (2003), "Onstructivism: The Limits of Bridging Gaps", *Journal of International Relations and Development*, Vol 6, No 3.

- Wiktorowicz, Quintan, (2006), "Anatomy of the Salafi Movement", *Journal Studies in Conflict & Terrorism*, Vol. 29, Issue 3.
- Wood, Graeme, (2015), "What ISIS Really Wants?" *Atlantic*, March 2015 Issue.
- Zeidan, David, (2001), "The Islamic Fundamentalists View of Life as a Perennial Battle", *Middle East Review of International Affairs*, No. 4.
- Zogby, (2011), "Arab Attitudes 2011", International Arab American Institute Foundation.